پژوهش کیفی و روایی آن

یک پدیده انسانی مثل خطای پزشکی را از جوانب گوناگون می­‌توان مورد بررسی قرار داد. مثلا وقتی بررسی­ کنیم که وقوع یک نوع خطا با اعمال یک مداخله تا چه اندازه کم شده، یک مطالعه کمی انجام داده‌ایم، ولی وقتی علل ریشه‌­ا‌ی مرتبط با عامل انسانی را با تفکر سیستمی می‌خواهیم بررسی نماییم، ممکن است یک قسمت از کار را به یک پژوهش کیفی اختصاص دهیم که در آن حرف­‌های فرد خاطی را گوش دهیم و مثلا بفهمیم که آن شب وی به عنوان یک فرد تازه‌وارد و مغرور نتوانسته به خوبی با پرسنل قسمت ارتباط برقرار نماید و پرسنل هم خوب او را تحویل نگرفته­‌اند یا به خاطر سه شب کشیک خسته بوده و بین دو ویال هم‌شکل اشتباه کرده و مرتکب خطا شده است...

پژوهش کیفی در صدد آن است که به جوانبی انسانی حتی مکتوم‌­تر از اینها دست یابد. اگر لازم است با پژوهشی به اعماق یک پدیده انسانی که طبعا علل و عوامل متعددی با وجوه گوناگون در وقوع آن نقش دارند، دست پیدا کنیم، آن پژوهش از نوع کیفی خواهد بود.

● پژوهش کیفی

اگر یکی از دستاوردهای پژوهش را تولید دانش بدانیم، با دو رویکرد می‌توان به این امر مبادرت ورزید: مطالعات کیفی و کمی. پژوهش کیفی نسبت به پژوهش کمی کمتر در جامعه دانشگاهی شناخته شده است. پژوهش کیفی روشی منظم برای توصیف اجزا، شرایط و ویژگی­‌هایی درباره پدیده­‌های انسانی است که قابل تبدیل به کمیت نیستند. به عبارتی دیگر پژوهش کیفی جمع‌­آوری، تحلیل و تفسیر داده‌­های غنی و روایت‌گونه است به منظور درک عمیق مفاهیم و پدیده­‌هایی که به خاطر وجود عامل انسانی در آنها پیچیدگی زیادی دارند. این پژوهش‌ها که مبتنی بر فلسفه پدیدارشناختی بوده و در جایگاه طبیعی خود با افراد واقعی (و نه در محیط تجربی) درباره افرادی تحت کنترل انجام می­‌شود، پژوهش کیفی نامیده می­‌شود، ولی تحقیق کمی با داده‌­هایی از اندازه­‌گیری متغیرهایی سرو کار دارد که به آسانی قابل بیان به عدد و رقم بوده و به جهت قابلیت تعمیم در ابعاد جمعیتی بالا به وسیله تکنیک‌­های آماری، قابل ارایه و نمایش هستند. این پژوهش‌ها مبتنی بر دیدگاه عینیت‌­گرایی و پوزیتیویسم می‌باشند.

● تفاوت تولید دانش در دو نوع پژوهش

پژوهش کیفی، قصد تعمق در یک کلافه پیچیده روابط علیتی را درباره انسان دارد، از آن نظر که آدمی یک موجود ناشناخته دارای جوانب پیچیده و مراتب مکتوم و لایه‌­های پنهان است، نه از آن دیدگاه که یک توده بیوشیمیایی است که بر روان و مدنیت او هم اثرگذار است. از این رو ممکن است دانشی که تولید می­‌کند، جنبه‌­هایی غیر قابل­‌سنجش ولی عقلانی (تجربه‌­پذیر در شرایطی خاص) را در نظر بگیرد.

استقرای پژوهش کیفی، توجیه یک سطح از علل و عوامل را درباره یک پدیده انسانی در بر می­‌گیرد که سلسله مشخصی را شامل می­‌شود. بر خلاف آن، پژوهش کمی قصد تعمق بر تأثیر عامل انسانی را ندارد، بلکه تأثیر یک یا چند عامل مشخص و بیرونی را بر یک پدیده انسانی قابل­ سنجش موردکاوش قرار می­‌دهد و استقراء آن مشتمل بر یک رابطه علیت خطی و ساده در ابعادی عمومی‌تر است.­ قطعا پژوهش کمی با پیش‌­فرض‌­هایی شروع می‌کند که قدرت و قوت خود را از تئوری‌­ها و فلسفه عینیت‌گرایی وام می­‌گیرد و خود از مقولات کمی به دست نمی‌آید.

در پژوهش کیفی فضای فکری حاکم، پیش‌­فرض‌­ها، سیر و روند از گذشته تا به حال، تعمق بر پدیده‌­های انسانی، درک انسان از محیط، ذوائق، نگاه­‌های انسان­‌های مختلف و توجیه مجموع‌ه­­ایی از پدیده‌­ها در قالب یک تئوری و ... موضوع قرار می­‌گیرد.

● ضرورت پژوهش کیفی

دقیق شدن در جوانبی هم‌چون درد و رنج انسان، لذت، عواطف و نگرش یک انسان نسبت به کیفیاتی این‌چنین و... از پژوهش کمی برنمی‌آید، چون ابزار مطمئنی برای تعمق در اینها نداریم. عوامل انسانی متعدد تأثیرگذار بر تصمیم‌­گیری فرد شامل درک و احساس فرد، اعتماد فرد و... سازه­‌های متعدد تشکیل دهنده کیفیت زندگی فرد، عوامل مؤثر بر یادگیری فرد است.

● آیا پژوهش کیفی دغدغه روایی دارد؟

پژوهش کیفی دغدغه روایی ندارد، چون خود پژوهش قابل تجربه مجدد نیست، البته از نظر موضوعی قابل تعمیم است وگرنه تولید دانش معنایی نخواهد داشت. تعمیم‌پذیری علمی در یک پژوهش کیفی «با قیاس» حاصل می­‌شود و قوتش در حد منطق و قوت استدلال و توان توجیه پدیده‌­ها و جوانب گوناگون مربوطه خواهد بود، ولی تعمیم‌پذیری و دانش تولید شده در پژوهش کمی «از استقراء» به دست می­‌آید و قوتش هم در حد استقرای تجربی است. به همین دلیل سعی می‌شود با مطالعات تصادفی کاملا کنترل شده قدرت پیش‌گویی آن را استحکام بخشید، چرا که استقراء دچار محدودیت‌های زمانی و... در تعمیم‌پذیری می‌باشد.

دغدغه پژوهش کیفی کشف علل ریشه‌ای در یک موقعیت انسانی، دقیق شدن در پیشینه‌ها و سوابق فضای فکری مورد نظر، تحلیل جوانب انسانی یک پدیده مانند وقوع تغییر و دقیق شدن در تجربیات انسانی مثلا در روند آموزش یا فرآیند درمان و سایر وقایع که در آن عامل انسانی نقش کلیدی داشته و دستیابی به جوانب مکتوم انسانی باارزش است. پیش‌­فرض اولیه در پژوهش‌های کیفی قرار دادن پیش­فرض­‌های رایج در پرانتز است که به آن «پارادایم تعویق قضاوت» گفته می‌شود، با این پیش‌فرض که چیزهایی وجود دارد که در منظر اول قابل‌­رؤیت نیست، برخلاف پژوهش‌های کمی که در آن اثبات یا رد یک فرضیه مبنای تئوری‌پردازی قرار می­‌گیرد.

علی‌رضا شمس‌معطر

کارشناس مدیریت مرکز تعالی خدمات بالینی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

هفته نامه سپید